



روز خبرنگار فرصتی است برای تأمل دوباره در جایگاه رسانه‌ها؛

رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در
اتاق بازرگانی تبریز مطرح کرد؛

ضرورت کاهش ریسک و واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی



۳

رونمایی و اکران فیلم «پلی بر رودخانه خشک»



عصر آزادی / سرویس فرهنگی: مراسم رونمایی و اکران افتتاحیه
فیلم سینمایی «پلی بر رودخانه خشک» با حضور سازندگان اثر
، هنرمندان و اهالی رسانه دوشنبه ۱۳ مرداد ماه در پردیس سینمایی
چارسو بر گزار گردید...

۸



ضرورت توجه به مشکلات خبرنگاران کشور در افزایش نشاط آوری اجتماعی از نگاه "عصر آزادی"

۱

۱

لطفاً به این سوال جواب دهید!

۱

۱

سرمقاله

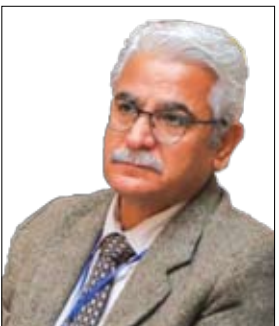
قلمی که در طوفان می نویسد



۱

یادداشت

پایان ناپذیری اهداف دشمنان برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران!



۱

سرمقاله

۱۷ مرداد در تقویم ایران به نام «روز خبرنگار»
ثبت شده است؛ روزی که بیش از آنکه یادآور
جشن و تبریک باشد، فرصتی است برای تأمل بر
معنای واقعی این حرفه و بهایی که خبرنگاران در
این سرزمین برای نوشتن حقیقت می‌پردازند.
خبرنگاری در ایران، همانند بسیاری از کشورهای
جهان سوم، تنها شغلی پرزحمت نیست؛ میدان مین
است. خبرنگار اینجا تنها با کمبود منابع، فشار اقتصادی
و ساعات کاری طاقت‌فرسا مواجه نیست، بلکه هر واژه‌ای
که می‌نویسد می‌تواند سایه‌ای از تهدید، بازخواست یا
حتی محرومیت را به همراه داشته باشد. در چنین
شرایطی، قلم دیگر یک ابزار ساده ثبت وقایع نیست؛
سلاحی است بی‌زره که صاحبش را در برابر قدرت،

قلمی که در طوفان می‌نویسد

سید وحید پیمان - سردبیر

سانسور و بی‌مهری بی‌دفاع می‌گذارد.
در جهانی که رسانه‌ها باید چشم‌بیدار مردم و وجدان
جمعی جامعه باشند، خبرنگار ایرانی اغلب با مرزهای
تنگ آزادی بیان، محدودیت در دسترسی به اطلاعات و حتی
خطر مرزهای بی‌پایان روبه‌روست. او گاهی مجبور است
میان بیان حقیقت و حفظ امنیت خود و خانواده‌اش
یکی را انتخاب کند؛ انتخابی که حتی تصور آن برای
امروز که از خبرنگاران سخن می‌گوییم، از آنان که
رفتند و از آنان که ماندند، باید بپرسیم: آیا سزاوار
نیست در کشوری با این‌همه استعداد و ظرفیت انسانی،
خبرنگاری شغلی امن، آزاد و محترم باشد؟
تا آن روز، روز خبرنگار در ایران بیش از هر چیز، روز
قلمی است که در طوفان می‌نویسد.

در نشست علمی «پارلمانتاریسم در جهان؛ مدل‌های موفق و ناموفق» عنوان شد: ایران، پیشگام پارلمانتاریسم در آسیا



شبه به مجلس مشورتی ناصرالدین شاه بود.
ملایی توانی در ادامه، به تفاوت مسیر تحول دولت
در اروپا و ایران پرداخت و گفت: در اروپا، دولت‌های
مطلقه قدرت را متمرکز کرده و سپس از طریق نظریه
دولت مشروطه آن را توزیع کردند. اما در ایران،
حکومتی که به لحاظ نظری متمرکز بود (پادشاه مالک
الرقاب بود)، در عمل پراکنده بود و انقلاب مشروطه
این قدرت پراکنده را پراکنده‌تر کرد. وی این امر را
یکی از دلایل ناکامی‌های انقلاب مشروطه دانست.
او همچنین به شکل‌گیری «استبداد منور» در دوره
رضا شاه اشاره کرد که پارلمان را به یک نهاد صوری
و ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به تصمیمات حکومت
تبدیل کرد.
ملایی توانی دلیل حفظ پارلمان در دوره رضا شاه
را عنوان اولین مطالبه انقلاب مشروطه اشاره کرد که
بعدها به عنوان پارلمان تغییر شد و فکر پارلمان با
جنبش مشروطه و عدالت‌خانه پیوند خورد.
او «مجلس عالی دربار» یا «شورای عالی دولتی»
را نخستین کنگره ملی منتخبین دانست که نقش
«مجلس مؤسسان» را در ایران ایفا کرد و زمینه را
برای تدوین قانون انتخابات و گذار به نظم مشروطه
فراهم آورد.
ملایی توانی خاطرنشان کرد که مدل «مجلس
شورای مملکتی» که توسط هواداران محمدعلی شاه
پس از به ثوابت بستن مجلس مطرح شد ناکام ماند و

یادداشت

پایان ناپذیری اهداف دشمنان برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران!

قدیر گلکاریان، مدرس روابط بین الملل Near East University

تغییر رژیم) تعریف شده است. در این چارچوب،
تحریم‌های اقتصادی، انزوای دیپلماتیک، مذاکرات
مشروط، و فشار رسانه‌ای، به‌صورت هم‌زمان دنبال
می‌شوند. هدف، واداشتن ایران به کاهش نفوذ
منطقه‌ای، محدودسازی برنامه هسته‌ای، و بذرش
"هنر تحریم" ادعان دارد که تحریم کردن ایران و حتی
سایر کشورهای متخاصم با آمریکا یکی از هنرهای علم
سیاست است.

در این مسیر، به زعم غرب ابزارهایی چون حمایت از
جریان‌های اصلاح‌طلب داخلی، بهره‌گیری از شبکه‌های
اجتماعی، و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جامعه‌مدنی،
مکمل سیاست رسمی غرب هستند. در کنار این،
جنگ روانی و نفوذ اطلاعاتی
یکی دیگر از محورهای بررنگ در راهبرد غرب،
جنگ نرم و نفوذ اطلاعاتی است. از یک‌سو با ایجاد
شبکه‌های رسانه‌ای برای ابران داخل کشور، تلاش
می‌شود مشروعیت نظام زیر سوال برود. از سوی دیگر،
از نگاه غرب نفوذ در نهادهای اطلاعاتی و تلاش برای
ایجاد شکاف در تصمیم‌سازی کلان، با هدف فلج‌سازی
سیستم از درون دنبال می‌شود. پروژه‌هایی چون تئوری
نفوذ، که گاه از درون حاکمیت ایران مطرح می‌شود،
نشان‌دهنده حساسیت نظام در این حوزه است.
چشم‌اندازهای پرنشور رو: چه سناریوهایی محتمل
است؟

در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی در برابر چند
سناریوی ممکن قرار دارد:
۱. تشدید تقابل با غرب و تسریع در برنامه هسته‌ای:
خروج احتمالی از NPT و دستیابی به آستانه
تسلیم‌دهنده هسته‌ای.
۲. توسعه پیمان‌های شرقی: تعمیق همکاری
استراتژیک با چین و روسیه برای مقابله با غرب و
ایجاد وزن متقابل.
۳. بازگشت مشروط به مذاکره: پذیرش گفت‌وگو
در چارچوبی که منافع اقتصادی و امنیتی جمهوری
اسلامی تأمین شود.

۴. فرسایش تدریجی درون‌زا: تداوم فشارهای
اقتصادی که افزایش نارضایتی‌های اجتماعی را به
دنبال داشته و در نتیجه آن کاهش سرمایه مشروعیت
در بلندمدت.
نتیجه کلام اینکه، مجموعه داده‌ها و روندهای
کنونی نشان می‌دهد که پروژه‌های مقابلیه با ایران
از سوی غرب، و تضعیف ساختاری آن از سوی رژیم
صهیونیستی، وارد فازهای پیچیده‌تری شده‌اند. ایران
برای مقابله با این چالش‌ها، نیازمند بازتعریف راهبردهای
اقتصادی، امنیتی، روانی و اجتماعی است. مواجهه
مؤثر با این چالش‌ها، نیازمند بازتعریف راهبردهای
داخلی و خارجی، و اتخاذ رویکردی هوشمندانه‌تر
در سطح ملی و منطقه‌ای است. گرچه شرایط به
ظاهر آرام به نظر می‌رسد ولی رفتار و تصمیمات و
نگاه سطوحی به مشکلات از سوی دولت و غفلت از
روندهای وقوع خطر می‌تواند ایام تلخی را پیش روی
بگذارد. امید که قالم با به نیکی تعبیر شود!

و راهبردی تهران است. افزون بر ابزارهای نظامی،
تل‌اوپو تلاش می‌کند با نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی،
همکاری با اپوزیسیون خارج‌نشین، و تأسیس اتاق‌های
عملیات اطلاعاتی، جنگ شناختی علیه ایران را هدایت
کند. در این میان، تقویت گفت‌وگوهای قوم‌گرایانه و
تمرکز بر شکاف‌های جنسیتی، نسلی و مذهبی در
دستور کار قرار دارد. فراموش نشود که در اثنای جنگ
۱۲ روزه به قطع به این باور رسیدند که ملت ایران را
نمی‌توانند در شرایط فعلی و با به چالش کشاندن نقاط
ضعف دولت و حاکمیت زمینه قیام عمومی را فراهم
بیاورند. به هیچ وجه نباید فراموش کنیم و غافل باشیم
که تنها میدان کارزار دشمن در برابر نظام جمهوری
اسلامی ایران، پدید آوردن رقابت‌ها و خصومت‌های
قومی و مذهبی است. هر ابزاری اعم از فقر و فلاکت در
سیستان و بلوچستان، خشک شدن تالاب‌ها در شمال
و یا خوزستان، خشکیده شدن دریاچه اورمیه، برجسته
کردن تهران یا اصفهان به عنوان شهرهای متمایز از
سایر شهرهای ایران و حتی رساندن آب دریای عمان
به اصفهان از جمله مسایلی هستند که زمینه شیطان
دشمنان را می‌تواند تسریع بخشد.

بر همه دست‌اندرکاران سیستم نظارتی، امنیتی و
اطلاعاتی فرض است که به این مسایل نه با دو چشم
بلکه با صد چشم بنگرند و حتی سیستم‌سرمزازی
اظهارات نمایندگان، مسئولان و مدیران و حتی امامان
جمعه و خطبای دیگر را عملی سازند که هیچ بهانه‌ای
برای فرافکنی و یا توطئه فراهم نیاید.
یقین است که استراتژی "نه جنگ، نه صلح" دیگر
کارایی ندارد. در سال‌های گذشته، جمهوری اسلامی
راهبردی موسوم به "نه جنگ، نه صلح" را در برابر
اسرائیل و آمریکا دنبال می‌کرد؛ یعنی پرهیز از تقابل
مستقیم در کنار گسترش نفوذ منطقه‌ای، اما تحولات
اخیر به‌ویژه در درگیری‌های مستقیم با اسرائیل،
این توازن را بر هم زد. حملات دقیق و گسترده
رژیم صهیونیستی، آسیب‌هایی جدی به تاسیسات
نظامی و زیرساختی ایران وارد کرد و نشان داد که
این استراتژی دیگر کارآمد نیست. همچنین منفعل
شدن شبکه نیابتی که پیش‌تر عامل بازدارندگی
مؤثری به شمار می‌رفت، در تحولات جدید کارایی
لازم را ندارد و حتی دولت لبنان تصمیم به خلع سلاح
حزب‌الله گرفته و دولت عراق نیز با دستور آمریکا
در صدد حذف حشدالشعبی از رده نیروهای نظامی
رسمی دولتی است. وضعیت کنونی در مورد نیروهای
حامی ایران، تصویری از کاهش انسجام منطقه‌ای را به
نمایش می‌گذارد که البته حوثی‌ها مستثنی از این
وضعیت هستند.
به قول عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان که
اخیراً گفته که مشکل ما با ایالات متحده به دلیل
تورش قابل حل نیست، نشان می‌دهد که غرب و
ایالات متحده به زعم خودشان، دنبال راهبرد ویژه‌ای
برای مهار ایران بوده و خواهد بود. این راهبرد، فشار
چندلایه و هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران
است.
راهبرد اصلی غرب در برابر ایران، برخلاف رژیم
نامشروع اسرائیل، بر اساس اصل تغییر رفتار (و نه

این هفته در یادداشت خود مایل هستم تحلیلی از
راهبردها و چشم‌اندازهای موجود پیش روی کشورمان
داشته باشم. همانطور که می‌دانیم در شرایط فعلی
کشور، ده‌ها معضل و بحران دامن‌گیر ملت و
دولت شده است و از همه مهم‌تر کابوس ناشی از
نگرانی حاصل از اهداف دشمنان ایران به ویژه غرب
و رژیم صهیونیستی، موجب دلواپسی و عدم امکان
تصمیم‌گیری‌های سازنده برای آحاد مردم شده
است. بنابراین به نظر می‌رسد به نوعی و با نگاهی
تحلیل‌گرایانه و مستند و متقن به شرایط کنونی،
شناختی از وضعیت کشورمان در چنین برهه‌ای
باشد.

طی دو دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران در
مرکز منازعات پیچیده ژئوپلیتیکی قرار گرفته است.
غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، و در سطحی
پرتنش‌تر رژیم صهیونیستی، راه بردهای گوناگونی را
برای مقابله با تضعیف ایران در پیش گرفته‌اند. این
راهبردها، نه صرفاً در عرصه نظامی و سیاست‌گذاری غربی،
قالب پروژه‌های چندلایه فرهنگی، امنیتی و رسانه‌ای
دنبال می‌شوند. تحلیل حاضر با تمرکز بر اهداف و
ابزارهای این بازیگران، به بررسی روند تحولات و
چشم‌اندازهای احتمالی آینده می‌پردازد.
آن‌طور که از تحلیل‌ها و نوشتارهای برآمده از
اتاق‌های فکر کشورهای غربی برمی‌آید، یکی از
دغدغه‌های اصلی تحلیلگران و سیاست‌گذاران غربی،
درک ساختار درونی قدرت در ایران است؛ ساختاری
که متفاوت از نظام‌های حزبی غربی است. جایگاه
رهبری، نقش نهادهایی مانند سپاه پاسداران، بیت
رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت
و شورای عالی امنیت ملی در کنار دولت و مجلس،
نوعی پیچیدگی سیاسی ایجاد کرده که ارزیابی آن را
دشوار می‌سازد.

پس از خروج آمریکا از برجام در دوران ترامپ،
راهبرد فشار حداکثری با هدف فروپاشی اقتصاد ایران
و تسلیم حاکمیت در پیش گرفته شد. تحریم‌های
نفتی و بانکی، خروج شرکت‌های بین‌المللی و انسداد
مبادلات ارزی در این چارچوب تعریف شد. اما در
عمل، این پروژه به هدف اصلی خود نرسید. جمهوری
اسلامی با تکیه بر پیوندهای منطقه‌ای، افزایش تعامل
با روسیه و چین، و بهره‌گیری از اقتصاد در سایه،
تابآوری قابل‌توجهی از خود نشان داد.
بر همین تصور بود که رژیم نامشروع اسرائیل از
دهه‌های گذشته و به ویژه از دو دهه پیش با به عرصه
مبارزه با ایران گذاشته تا بتواند با استفاده از راهبرد
فروپاشی از درون جامعه، هم خیال خود و هم تشویش
افکار رهبران کشورهای غربی را راحت سازد. برخلاف
غرب که به زعم خود بیشتر به دنبال مهار ایران است،
اسرائیل آشکارا به دنبال تضعیف ساختاری یا حتی
فروپاشی جمهوری اسلامی است. عملیات خرابکاری را
در تأسیسات هسته‌ای، ترور دانشمندان، حملات
محدود هوایی به مراکز نظامی در خاک ایران یا
سوریه، جذب نیروهای خود فروخته داخلی و تربیت
جاسوسان و مزدوران، همه در راستای راهبرد اسرائیل
برای ضربه‌زدن تدریجی به زیرساخت‌های نظامی